



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در نظام حقوقی ایران و انگلستان

سحر بادپا^۱، سیروس حیدری^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، پردیس بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق دادخواهی به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده در منابع حقوقی و در زمره حقوق بشر است. از منظر حق دادخواهی، تمامی شهروندان در راستای طرح دعوا در دادگاه‌ها آزاد می‌باشند. مع‌هذا، زمانی این مسئله با چالش مواجه می‌شود که شاهد طرح دعوای ایدائی باشیم. این نوع طرح دعوا موجب بروز مشکلاتی برای خواننده و تحمیل خسارت بر وی می‌شود. بر این اساس، قانون‌گذار تلاش نموده تا در راستای پیشگیری از طرح دعوای ایدائی و آثار و تبعات سوء آن، ضمانت اجرایی مقرر بدارد. بررسی مسئله سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در حقوق ایران و انگلستان و راهکارهای مقابله با آن موضوع پژوهش حاضر را تشکیل داده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است. **یافته‌ها:** سوءاستفاده از حق اقامه دعوا از مصادیق سوءاستفاده از حقوق دادرسی می‌باشد و جلوه‌ای خاص از مفهوم کلی سوءاستفاده از حق به شمار می‌رود. شخصی که بدون وجود سبب موجه علیه دیگری طرح دعوا نموده یا از ابزار اقامه دعوا برای اذیت و آزار طرف مقابل یا مقاصد سوء دیگر استفاده نماید، بایستی مسئول جبران خسارات ناشی از عمل سوء خود باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم اینکه عموم شهروندان از حق توسل به محاکم و اقامه دعوا برای احقاق حق خویش برخوردار می‌باشند لیکن چنانچه از این حق سوءاستفاده شده باشد و شخص دعوایی بدون سبب موجه علیه دیگری اقامه نموده یا با مقاصد سوء از قبیل ایداء طرف، تأخیر در انجام تعهد، غرض‌ورزی و امثال اینها طرح دعوا نموده باشد، ضمن اینکه ممکن است با ایراد تأمین دعوای واهی مواجه گردد، مسئولیت مدنی به جبران خسارات ناشی از خطای خویش نیز خواهد داشت. تقویت و توسعه ضمانت اجرایی قانونی برای مقابله با سوءاستفاده از حق در قلمرو دادرسی می‌تواند اثر بازدارنده در اقامه دعوای ایدائی داشته باشد و به بهبود عملکرد دادگستری منتهی گردد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

واژگان کلیدی:

حق دادخواهی

حق اقامه دعوا

سوءاستفاده از حق

دعوای ایدائی

دعوای واهی

جبران خسارت

* نویسنده مسؤول:

سیروس حیدری

آدرس پستی: ایران، شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی و اسلامی.

کد پستی: ۷۱۹۴۶-۸۵۱۱۵

تلفن: ۷۱-۳۶۱۳۴۸۴۹

پست الکترونیک:

heidaris@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

از جمله اهداف تدوین قانون، اجرای نظم و عدالت در جامعه است لیکن به صرف اجرای قانون و صدور رأی از سوی قاضی بدون توجه به اصول دادرسی، عدالت به صورت کامل محقق نمی‌شود؛ از جمله آن که سرعت در تشخیص حق و حل و فصل خصومت، از ارکان دادرسی عادلانه است. به عبارت دیگر می‌توان گفت احقاق حق در کمترین زمان از سوی قاضی به عدالت نزدیک‌تر است تا احقاق حق بعد از مدت زمان طولانی. معضل اطاله دادرسی و حل اختلاف که از دیرباز دستگاه قضایی و مراجعین به دادگاه را با مسائل مختلفی دست به گریبان کرده است، مختص به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد. اطاله دادرسی محصور به چند علت نیست، بلکه همچون آب رودخانه‌ای است که از چشمه‌های کوچک و بزرگ مربوط به زمان قدیم و جدید نشأت می‌گیرد و حل آن نیاز به فرهنگ‌سازی، آموزش شهروندان و بررسی تخصصی و کارشناسانه دارد. در واقع، معقول و متعارف بودن زمان و هزینه‌های طرح دعوی مدنی و فرآیند دادرسی را کیفیت دادرسی می‌نامند که باعث جریان بهینه دادرسی و کارایی آن می‌شود. کیفیت دادرسی، که از جمله تضمین‌های بنیادین سیستم عدالت مدنی است، تأکید بر سازماندهی مؤثر روابط حقوقی طرفین دعوا و دستگاه قضایی دارد تا از این طریق ضمن ارتقای کارکرد اجتماعی دادرسی، عدالت شکلی و ماهوی (عدالت کارا) نیز تحقق یابد.

یکی از موانع تحقق عدالت کارا، طرح دعوی ایدایی و سوءاستفاده از حق اقامه‌ی دعوا است. به دعوی ایدایی در تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره شده است که ظاهراً این ماده دعوی ایدایی را ذیل عنوان دعوی واهی مطرح کرده است. طرح دعوی واهی و ایدایی مضرات و آثار سوئی را به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به اطاله دادرسی و تأخیر یا اخلال در اجرای عدالت اشاره نمود. پرسشی که در این راستا مطرح می‌شود این است که آیا سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و طرح دعوی ایدایی در نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است؟ چه ضمانت اجرایی برای مقابله با سوءاستفاده از حق

اقامه دعوا در حقوق ایران و انگلیس وجود دارد؟ در خصوص فرضیه‌های تحقیق می‌توان گفت که در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، ایراد تأمین دعوی واهی در ماده ۱۰۹ برای مقابله با سوءاستفاده از حق اقامه دعوا مقرر شده و پذیرش ایراد منجر به اخذ تأمین از خواهان برای تضمین جبران خسارات دادرسی خواهد شد. امکان محکومیت خواهان به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی به عنوان جریمه و همچنین، جبران خسارات دادرسی وارده بر خواننده در چارچوب ماده ۵۱۵ نیز مکمل ضمانت اجرای مذکور است. به علاوه، اقامه دعوی ورود یا جلب ثالث بر مبنای تبانی با یکی از طرفین یا به منظور ایجاد تأخیر در رسیدگی به دعوی اصلی، منجر به تفکیک دعوی و رسیدگی جداگانه به هر یک از دعوی اصلی و طاری خواهد شد.

در حقوق انگلستان، اقامه دعوی ایدایی نوعی شبه جرم با عنوان Malicious Civil Prosecution شناخته شده و تحت شرایطی منجر به تحمیل مسئولیت مدنی بر خواهان می‌گردد. به علاوه، هرگونه سوءاستفاده از فرایند دادرسی نیز تحت عنوان Abuse of Process به عنوان نوعی شبه جرم منتهی به ایجاد مسئولیت مدنی خواهد شد. مفاهیم حقوقی مذکور به هم شبیه و در عین حال، متمایز از یکدیگر می‌باشند. در تحقیق حاضر، ابعاد مختلف سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در قلمرو دادرسی مدنی و ضمانت اجرای قانونی موجود برای مقابله با دعوی ایدایی در حقوق ایران و انگلستان به صورت تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نحوه مقابله با سوءاستفاده از حق اقامه دعوا اساساً یک فرآیند پیچیده می‌باشد زیرا از یک سو، عموم شهروندان مطابق با قانون اساسی از حق دادخواهی بهره‌مند بوده و بایستی برای احقاق حق به محاکم دسترسی داشته باشند. از سوی دیگر، استفاده از حق مزبور نباید تبدیل به ابزاری برای اذیت و آزار دیگران و یا نیل به مقاصد سوء از قبیل تأخیر در انجام تعهد، تأخیر در دادرسی، انتقام‌جویی و... گردد. لذا، ضمانت اجراهای قانونی برای مقابله با دعاوی ایدایی باید به گونه‌ای طراحی شوند تا ضمن حمایت از حق دسترسی به محاکم، با مصادیق سوءاستفاده از حق مزبور نیز مقابله صورت پذیرد. چنانچه بر دادگاه معلوم گردد که شخص دعوایی بدون سبب موجه علیه دیگری اقامه نموده و با سوءنیت از حق توسل به محاکم استفاده نموده است، امکان تحمیل مسئولیت مدنی بر خواهان به منظور جبران خسارات دادرسی وارده بر خواننده عموماً پذیرفته شده و علاوه بر راه حل ترمیمی مزبور، امکان طرح ایراد تأمین دعوی واهی و تحمیل جریمه بر شخص خاطی می‌تواند اثر بازدارنده در اقامه دعوی ایدایی داشته باشد.

۵. بحث**۵-۱. پیشینه تحقیق**

در ارتباط با متغیر اصلی پژوهش حاضر یعنی، سوءاستفاده از حق، برخی مقالات به رشته تحریر درآمده است که در ادامه به آنها اجمالاً اشاره خواهیم داشت: مقاله‌ی مقصودی تحت عنوان «سوءاستفاده از حق در حقوق بین‌الملل خصوصی» در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، قاعده کلی سوءاستفاده از حق در بسیاری از مسائل حقوقی از روابط املاک مجاور تا حقوق قراردادهای و حقوق خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد. قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل خصوصی نیز از این قاعده کلی متأثر شده است. در تعارض دادگاه‌ها فروم شاپینگ و در تعارض قوانین تقلب نسبت به قانون از مفاهیم رایج در جهت مقابله با سوءاستفاده از حق است. سیستم‌های حقوقی مختلف با توجه به خاستگاه تاریخی و ساختارهای

اجتماعی، رویکردهای متفاوتی در این موضوع اتخاذ کرده‌اند. در سنت کامن‌لا، فروم شاپینگ برای جلوگیری از اعمال صلاحیت قضایی به کار می‌رود، در حالی که حقوق رومی ژرمنی با این مفهوم بیگانه است. در مقابل، با وجود اینکه تقلب نسبت به قانون به عنوان یکی از موانع اجرای قانون خارجی در حقوق رومی ژرمنی قدمت دیرینه دارد، اما در حقوق کامن‌لا صرفاً نظم عمومی و قواعد آمره به عنوان مانع اجرای قانون خارجی مورد بحث قرار می‌گیرد. در حقوق ایران نیز در هیچ کدام از این موارد قاعده‌سازی نشده است و اقتباس این مفاهیم از اصول کلی حقوقی با دشواری همراه است (۱).

مقاله‌ی غلامی و شهبازی‌نیا تحت عنوان «جایگاه تأثیر تقلب نسبت به اصول و قواعد حقوقی» در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، گاهی اوقات اشخاص در روابط حقوقی فی‌مابین با تقلب به قواعد و اصول حقوقی متمسک می‌گردند و سعی دارند تا با استناد به این قواعد منافی را به نفع خویش جلب نموده و موجبات اضرار دیگران را فراهم نمایند. با استقراء در مواد پراکنده منعکس در قانون مدنی، قانون تجارت و لایحه اصلاحی موادی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، قانون بیمه، قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ و سایر قوانین مشابه به خوبی استنتاج می‌گردد که مقنن در صدد منع استفاده متقلبانانه از قوانین توسط اشخاصی که به وسایل مشروع در جهت نیل به اهداف نامشروع متوسل می‌گردیده‌اند، بوده است. با الغای خصوصیت و تنقیح مناط و اتخاذ ملاک از این مواد قانونی و بررسی و تجزیه و تحلیل مصادیق تقلب اشخاص نسبت به اصول و قواعد حقوقی، قاعده منع تقلب نسبت به قوانین و قواعد حقوقی قابل استدراک می‌باشد زیرا در فرض تقلب اشخاص، اصول و قواعد حقوقی واجد اثر نمی‌باشند. علی‌الغرض در وضع اصول و قواعد حقوقی و هم‌چنین قوانین، مصالحی مدنظر بوده که این غایت و اهداف در پرتو صیانت از این قواعد و قوانین از طریق منع تقلب نسبت به آنها قابل استحصال است. تعمیم منع تقلب نسبت به قانون در خصوص قواعد حقوقی کاملاً با روح و فلسفه وضع اصول و قواعد حقوقی منطبق می‌باشد به ویژه اینکه مبانی قاعده منع تقلب نسبت به قانون و ایضاً قواعد

۵-۵. حق بر دادخواهی

امروزه قوانین اساسی در بیشتر کشورها فصلی را به حقوق ملت اختصاص داده‌اند یا اینکه در اعلامیه‌های حقوق بشر، فهرست مشخصی از حقوق مدنی و سیاسی را برای افراد به رسمیت شناخته‌اند. حق دادخواهی، به عنوان یکی از حقوق آزادی‌های اساسی فردی، مورد توجه اسناد معتبر بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین قوانین اساسی کشورهای مختلف می‌باشد (۳، ۴). وجود حق دادخواهی اقتضاء می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع گردید، به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم‌خواهی نماید. مبنای وجود چنین حقی اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند (۵).

مهمترین شاخصه امنیت قضایی شهروندان، شناسایی حق دادخواهی است. بر این اساس، تمام افرادی که حقوق آنها مورد تعرض قرار گرفته، باید بتوانند از طریق دادگاه صالح به احقاق حق بپردازند. حق دادخواهی در دو مفهوم مضیق و موسع قابل تحلیل است. در معنای مضیق، پذیرش حق اعلام شکایت است و در معنای موسع آن صرف این پذیرش کافی نیست و ملزومات آن از قبیل حق امنیت بزه‌دیدگان، گواهان و کارشناسان، حق بهره‌مندی از رسیدگی فوری، حق دسترسی به وکیل، حق تجدیدنظرخواهی و... را شامل می‌شود (۶). لازمه اجرایی شدن حق دادخواهی، وجود دادگاه‌های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین عدم وجود مانع در مراجعه به دادگاه برای همگان است (۷).

اصل ۳۴ قانون اساسی ایران حق اقامه دعوا را تحت عنوان حق دادخواهی برای همگان به رسمیت شناخته و در این رابطه مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». بنابراین، حق یا توانایی اشخاص برای اقامه دعوا در نظر قانون‌گذار چنان

حقوقی از جمله نظم عمومی، حسن نیت و نظریه سوءاستفاده از حق، واحد می‌باشد و قوانین تفوق و رجحانی نسبت به قواعد حقوقی ندارند (۲).

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همانطور که در قسمت پیشین مشاهده شد، در پژوهش‌های انجام شده، عمدتاً متغیر سوءاستفاده از حق به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته است؛ حال آنکه، موضوع اصلی پژوهش حاضر یعنی سوءاستفاده از حق اقامه‌ی دعوا در آثار پیشین چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید خاطر نشان کنیم که، رسالت اصلی هنجارهای حقوقی تنظیم روابط میان تابعان حقوق می‌باشد. تنظیم روابط تابعان در سطوح مختلف یک نظام حقوقی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین سطحی که تنظیم روابط تابعان حقوقی در آن صورت می‌گیرد، سطح قضایی است. کیفیت دادرسی، که از جمله تضمین‌های بنیادین سیستم عدالت مدنی است، تأکید بر سازمان‌دهی مؤثر روابط حقوقی طرفین دعوا و دستگاه قضایی دارد تا از این طریق ضمن ارتقای کارکرد اجتماعی دادرسی، عدالت شکلی و ماهوی (عدالت کارا) نیز تحقق یابد. همان‌طور که پیش‌تر در قسمت مقدمه اشاره کردیم، سوءاستفاده از حق اقامه‌ی دعوا یا طرح دعاوی ایذایی، تأثیر مستقیمی بر مفهوم عدالت کارا دارد. تبیین مسأله سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و ارائه راهکار برای مقابله با آن می‌تواند به بهبود عملکرد دادگستری نیز منتهی گردد.

۵-۴. محدودیت‌های پژوهش

گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر در زمان شیوع بیماری کرونا صورت گرفته است؛ بدیهی است که با توجه به محدودیت دسترسی به مراکز پژوهشی و آموزشی در این دوره، جمع‌آوری اطلاعات با مشکلات بسیاری مواجه بوده است.

اهمیت داشته که در حد یکی از اصول قانون اساسی ظهور یافته است.

۵-۶. سوءاستفاده از حق اقامه‌ی دعوا در حقوق ایران

فلسفه شناسایی حق دادخواهی در نهایت احقاق حق و اجرای عدالت است و از حق مزبور نمی‌توان و نباید سوءاستفاده نمود. سوءاستفاده از حق به معنای «به کار بردن حق به ضرر غیر» است به نحوی که شخص ظاهراً از حق مشروع خویش استفاده می‌کند اما در واقع، حق خود را برای اضرار به غیر به کار گرفته است (۸). سوءاستفاده از حق ممنوع است و نه تنها می‌توان از استفاده سوء ممانعت به عمل آورد بلکه چنین عملی می‌تواند منشأ ضمان نیز قرار گیرد. اصل چهلم قانون اساسی به عنوان مبنای اساسی منع سوءاستفاده از حق اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». نکته جالب اینست که اصول ۳۴ و ۴۰ قانون اساسی هر دو در فصل سوم قانون و ذیل عنوان «حقوق ملت» وضع گردیده‌اند. در حقیقت، حق دادخواهی و توسل به محاکم برای هر یک از شهروندان به موجب اصل ۳۴ قانون اساسی تضمین شده است لیکن به موجب اصل چهلم همان قانون، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق دادخواهی را وسیله‌ای برای اضرار به دیگران قرار دهد. از نظر ماهیت عمل شخصی که مبادرت به سوءاستفاده از حق می‌کند، تعبیر غالب نویسندگان حقوقی اینست که نوعی تقصیر در اجرای حق صورت گرفته و بایستی به آن مقابله شود (۹). ابزارهای قانونی مقابله با سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در ادامه بررسی خواهند شد.

۵-۶-۱. امکان طرح ایراد تأمین دعوای واهی

واهی در لغت به معنای «سست» و «بی‌بنیان» آمده است (۱۰). دعوای واهی نیز به معنای دعوای پوچ و بی‌اساس است. مفاد ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی در دکترین و رویه قضایی تحت عنوان «ایراد تأمین دعوای واهی» شناخته می‌شود (۱۱) و ابزاری است که به کمک آن می‌توان از طرح دعوای واهی و غیرموجه ممانعت کرد (۱۲). به موجب این

ماده: «در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواست‌های مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است، خوانده می‌تواند برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود، از دادگاه تقاضای تأمین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه بداند، قرار تأمین صادر می‌نماید و تا وقتی که خواهان تأمین ندهد، دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد، به درخواست خوانده قرار رد دادخواست خواهان صادر می‌شود». مضمون ماده مزبور آنست که اصولاً در دعاوی مدنی خوانده می‌تواند با طرح ادعای واهی بودن دعوا، از دادگاه درخواست نماید تا رسیدگی به دعوا را موقوف به اخذ تأمین از خواهان نماید تا چنانچه در اصل دعوا رأی قطعی به ضرر خواهان صادر شد، جبران خسارات دادرسی وارده بر خوانده از محل تأمین مأخوذه به عمل آید. در واقع، خوانده‌ای که بنا به ادعای واهی بودن دعوا پیشاپیش خود را برنده دادرسی مطروحه می‌داند، نگران جبران خساراتی است که بر اثر دادرسی بر وی تحمیل شده و با طرح ایراد مذکور از دادگاه می‌خواهد تا از خواهان تضمین مناسبی برای جبران خسارات دادرسی اخذ نماید. البته بدیهی است که صرف ادعای خوانده برای واهی تلقی نمودن دعوا کافی نبوده و همان‌گونه که در ماده ۱۰۹ قانون آ.د.م. آمده است، تشخیص واهی بودن دعوا «با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات» بر عهده دادگاه خواهد بود (۱۱).

واهی بودن دعوا ممکن است از جنبه موضوعی باشد بدین معنا که ادعای خواهان قابل تحقق نبوده یا متکی به هیچ دلیلی نیست. همچنین، واهی بودن می‌تواند از جنبه حکمی باشد بدین مفهوم که حتی با فرض احراز صحت ادعای خواهان، حقی علیه خوانده متصور نباشد (۱۱). واهی بودن دعوا عمدتاً ناشی از فقدان سبب موجه و معقول برای توجیه استحقاق خواهان نسبت به خواسته دعواست. حتی گاهی ممکن است با نگاهی اجمالی به دعوای مطروحه بتوان شکست خواهان در دعوا را پیش‌بینی نمود مانند فرضی که خواهان به عنوان

دادگاه بدوی را به رسیدگی ماهوی در خصوص دعوی مطروحه الزام نماید. همان‌گونه که ملاحظه گردید، پیش‌بینی ایراد تأمین دعوی واهی نوعی تدبیر پیشگیرانه از سوی قانون‌گذار است که به موجب آن می‌توان تا حدودی از اقامه دعوی واهی جلوگیری به عمل آورد (۱۲).

۵-۶-۲. تحمیل جریمه بر شخص سوءاستفاده‌کننده

با فرض اینکه دعوی اقامه شده باشد و پس از رسیدگی به دعوی مزبور معلوم شود که خواهان با طرح این دعوا از حق دادخواهی سوءاستفاده نموده و ابزار قانونی دعوا را برای مقاصد سوء به کار گرفته است، مانند اینکه دادگاه احراز نماید انگیزه خواهان از طرح دعوا اموری از قبیل اذیت و آزار طرف مقابل، تأخیر در اجرای تعهد و امثال این‌ها بوده است، انتظار می‌رود قانون‌گذار ضمانت اجرای مناسبی را برای مقابله با سوءنیت شخص مقرر نماید. تبصره ذیل ماده ۱۰۹ قانون آ.د.م با چنین هدفی تدوین شده و مقرر می‌دارد: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف یا غرض‌ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید». محکومیت خواهان به پرداخت سه برابر هزینه دادرسی در حق دولت ماهیتاً نوعی جریمه یا جزای نقدی است که تا حدودی می‌تواند در تنبیه شخص سوءاستفاده‌کننده از حق اقامه دعوا مؤثر واقع گردد و بر همین اساس، نوعی «خسارت تنبیهی» توصیف شده است (۱۴). مع‌هذا، مقرر مذکور کافی به نظر نمی‌رسد زیرا از یک‌سو، در برخی دعاوی (از جمله دعاوی غیرمالی یا دعاوی مالی که به بهای اندکی تقویم شده باشد) مبلغ جریمه مقرر در تبصره ماده ۱۰۹ ناچیز خواهد بود و کارآمد و مؤثر به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، جریمه مزبور به حساب دولت واریز می‌گردد و در عمل نفعی به حال خواننده که متضرر اصلی از عمل خواهان است، نخواهد داشت. البته ناگفته نماند که نقیصه اخیر با لحاظ مقررات ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م. تا حدودی جبران می‌گردد زیرا به موجب ماده مذکور، خواننده می‌تواند «خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیرمحقق بودن در

فروشنده ملک ادعای بطلان معامله را بر مبنای عدم پرداخت ثمن از سوی خریدار مطرح کرده باشد. حتی گاهی ممکن است مستندات ابرازی از سوی خواهان برای تشخیص واهی بودن دعوی او کافی باشند. برای مثال، خواهان بنا به ادعای غبن مبادرت به تقدیم دادخواست تحت عنوان اعلام فسخ قرارداد نموده لیکن در متن قرارداد مورد دعوا شرط صریحی مبنی بر اسقاط کافه اختیارات و من جمله خیار غبن مندرج گردیده است. در چنین فرضی، دادگاه می‌تواند با عنایت به وجود شرط اسقاط اختیارات، دعوی فسخ معامله بر مبنای خیار غبن را واهی تلقی نموده و بنا به درخواست خواننده، رسیدگی به دعوا را منوط به تودیع تأمین نماید. در عین حال، ضابطه قطعی و عمومی برای تشخیص واهی بودن دعوا نمی‌توان ارائه نمود و به نظر می‌رسد که در هر مورد دادگاه بایستی با لحاظ اوضاع و احوال مورد نسبت به بررسی وضعیت دعوا و ارزیابی صحت و سقم ادعای خواننده مبنی بر واهی بودن دعوا اقدام نماید.

ایراد تأمین دعوی واهی از جمله ایراداتی است که مبتنی بر قواعد مخیره و از حقوق خصوصی خواننده محسوب می‌گردد. لذا، دادگاه رأساً امکان استناد به چنین ایرادی را ندارد و خواننده نیز صرفاً تا پایان جلسه اول دادرسی می‌تواند به ایراد مزبور متوسل گردد (۱۱). البته، با طرح ایراد تأمین دعوی واهی از سوی خواننده و پذیرش آن توسط دادگاه، رسیدگی به دعوی خواهان منوط به سپردن تأمین مناسب خواهد بود. بدیهی است که در صورت عدم تودیع تأمین در مهلت مقرر، بنا به درخواست خواننده قرار رد دادخواست صادر خواهد شد (۱۳). قرار صادره می‌تواند بر حسب ضوابط مقرر در ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی قابل تجدیدنظر باشد. لذا، خواهانی که دعوی او واهی قلمداد شده و به علت عدم تودیع تأمین با قرار رد دادخواست مواجه گردیده است، عندالاقضاء می‌تواند نسبت به قرار مزبور درخواست تجدیدنظر نموده و تشخیص دادگاه بدوی مبنی بر واهی بودن دعوا را به چالش بکشد. در این صورت، تشخیص نهایی دادگاه تجدیدنظر در این خصوص تعیین‌کننده بوده و چنانچه مرجع مزبور اعتراض خواهان بدوی را موجه تشخیص دهد، می‌تواند با نقض قرار صادره،

دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید». لذا، دادگاه می‌تواند با احراز سوءاستفاده خواهان از حق اقامه دعوی را برابر مقررات ماده ۵۱۵ به جبران خسارات دادرسی که بر خوانده تحمیل شده است، محکوم نماید.

۵-۶-۳. تفکیک دعوای طاری از دعوای اصلی

زمانی که یک دعوای حقوقی بین دو طرف مطرح و تحت رسیدگی باشد، امکان مداخله شخص ثالث در دادرسی در قالب ورود یا جلب شخص ثالث تحت شرایط خاصی فراهم خواهد بود. چنین دعوایی باید با دعوای اصلی ارتباط یا وحدت منشأ داشته باشد و در چارچوب مهلت قانونی اقامه گردد تا بدین ترتیب، امکان رسیدگی توأم به دعوای اصلی و طاری مهیا شود. هدف از رسیدگی توأم به دعوای اصلی و دعوای ورود یا جلب ثالث اینست که تأثیر دعوای مزبور بر همدیگر در رأی دادگاه لحاظ گردد تا بدین وسیله از صدور آرای متعارض جلوگیری به عمل آید (۱۵). مع‌هذا، گاهی اوقات ممکن است از نهاد ورود یا جلب ثالث سوءاستفاده به عمل آید. به عبارت دیگر، ممکن است مقصود از اقامه دعوای ورود ثالث، تبانی وارد ثالث با یکی از طرفین برای تضییع حق طرف مقابل باشد و یا اینکه ورود یا جلب ثالث صرفاً به منظور ایجاد تأخیر در رسیدگی به دعوای اصلی صورت پذیرد. بدیهی است در چنین موردی با احراز سوءنیت شخصی که مبادرت به طرح دعوای ورود یا جلب ثالث نموده است، باید به نحو مناسبی با انگیزه سوء وی مقابله گردد. ضمانت اجرایی که قانون‌گذار دادرسی مدنی در این خصوص پیش‌بینی نموده است در قالب تفکیک دعوای و رسیدگی جداگانه به هر یک از آنهاست. ماده ۱۳۳ قانون آ.د.م. در زمینه ورود ثالث مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوای ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نمی‌باشد، دعوای ثالث را از دعوای اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند.» بر این اساس، تفکیک دعوای اصلی و طاری و رسیدگی جداگانه به هر یک از آنها مکانیسم قانونی مناسبی برای خنثی کردن انگیزه سوء شخص اقامه‌کننده دعوای ورود یا جلب ثالث

خواهد بود. به علاوه، قانون‌گذار به ضمانت اجرای مدنی مزبور اکتفا ننموده و امکان تعقیب کیفری اشخاصی که با سوءنیت از نهاد حقوقی ورود یا اعتراض ثالث استفاده می‌کنند را مقرر نموده است (۱۵). ماده ۲ «قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند» مصوب ۱۳۰۷ ورود یا اعتراض ثالث بر مبنای تبانی با یکی از اصحاب دعوا برای بردن یا تضییع حق طرف دیگر را جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازات کلاهبرداری مقرر نموده است: «اشخاصی که به عنوان ثالث در دعوایی وارد شده و یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوا برای بردن یا تضییع حق طرف دیگر دعوا باشد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند بود. تبانی هر یک از طرفین دعوای اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد».

راجع به دعوای جلب ثالث نیز در ماده ۱۳۹ قانون آ.د.م. ترتیبی مشابه ماده ۱۳۳ مقرر شده است. بر اساس ماده مذکور، «...هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تأخیر رسیدگی است، می‌تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند». به نظر می‌رسد که تفکیک و رسیدگی جداگانه به دعوای اصلی و ورود یا جلب ثالث صرفاً در فرضی امکان‌پذیر است که ورود یا جلب ثالث از نوع اصلی باشد و الا چنانچه ورود ثالث تبعی یا جلب ثالث تقویتی مطرح شده باشد و دادگاه انگیزه شخص از اقامه چنین دعوایی را ایجاد تأخیر در رسیدگی به دعوای اصلی تشخیص دهد، دعوای ورود ثالث تبعی یا جلب ثالث تقویتی قابلیت رسیدگی جداگانه را نخواهند داشت و در چنین موردی باید قرار رد یا عدم استماع دعوا صادر گردد (۱۱، ۱۶). بنابر مقررات فوق‌الذکر، تفکیک و رسیدگی جداگانه به دعوای اصلی و طاری، تحمیل مسئولیت مدنی دائر بر جبران خسارات وارده به طرف مقابل و امکان اعمال مجازات (با فرض اجتماع شرایط قانونی مقرر) تدابیر مختلفی است که از سوی قانون‌گذار برای مقابله با سوءاستفاده

در عین حال، محدودیت‌ها و شرایط ناظر به اعمال حق را نقض می‌کند. بنابراین، اولاً سوءاستفاده از حق همواره با اجرای عملی حق مرتبط است. ثانیاً در بادی امر و ظاهراً عملی قانونی است که با شکل انتزاعی رفتار مجاز بر مبنای آن حق مطابقت دارد. ثالثاً شرایط و مرزهای قانونی ناظر به اعمال حق را نقض می‌کند. لذا، ایده مطروحه در دکترین حقوقی مبنی بر وجود نوعی خطای منطقی در تعبیر «سوءاستفاده از حق» با این توجیه که «هرکس حق خود را اعمال می‌کند، عمل وی قانونی است»، از طریق تفکیک بین محدودیت‌های حق و مرزهای اعمال حق قابل رد به نظر می‌رسد. شخص ممکن است در هنگام اعمال یک حق، ضمن باقی ماندن در قلمرو حق مزبور، از مرزهای اجرای حق تجاوز کرده باشد.

دو دیدگاه کلی در خصوص سوءاستفاده از حق قابل طرح است: دیدگاه موسع و مضیق. بر طبق دیدگاه موسع، قاضی باید استنادی در اختیار داشته باشد تا اگر در خصوص موردی نتیجه اجرای مقررات را غیرمنصفانه تشخیص دهد، بتواند دست به تعدیل آنها بزند. مطابق دیدگاه مضیق، صرفاً رفتار شخص را از منظر سوءاستفاده می‌توان ارزیابی کرد نه مقررات یا نتایج حاصله از اجرای آنها را. لذا، سوءاستفاده از حق صرفاً در مرحله اعمال و اجرای یک حق نمود پیدا می‌کند. از گذشته تا به حال، سوءاستفاده از حق یک مسأله اجتماعی مهم بوده و لازم است که نظم حقوقی پاسخی شایسته در برابر آن داشته باشد (۱۸).

سوءاستفاده از حقوق و اختیارات دادرسی به عنوان جلوه‌ای خاص از مفهوم کلی‌تر سوءاستفاده از حق در جوامع مدرن و دموکراتیک شناخته شده است هرچند که راه‌حل‌های اتخاذ شده در کشورهای مختلف ممکن است یکسان نباشد (۱۹). مسأله سوءاستفاده از حق برخورداری از حمایت حقوقی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد اشاره واقع شده است. بند ۳- الف از ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: دادگاه بایستی درخواست مطروحه بر مبنای ماده ۳۴ را مردود اعلام نماید اگر تشخیص دهد که درخواست با مقررات کنوانسیون یا پروتکل‌های مربوط به آن مغایرت دارد یا ادعا آشکارا بی‌اساس است یا اینکه از حق اقامه دعوا سوءاستفاده شده است. نظریه‌پردازان آیین

از نهاد حقوقی ورود یا جلب یا اعتراض ثالث پیش‌بینی گردیده است (۱۵). اقدام یکی از طرفین دعوی اصلی به جلب شخص ثالث یا اقدام شخص ثالث به طرح دعوی ورود یا اعتراض ثالث ماهیتاً نوعی اقامه دعوا محسوب گردیده و چنانچه شرایط مذکور در مقررات پیشین را داشته باشد، از مصادیق سوءاستفاده از حق اقامه دعوا تلقی خواهد شد.

۵-۷. سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در حقوق انگلستان

هرچند توسعه حقوق بشر و از جمله حق برخورداری از حمایت قضایی مؤثر و منصفانه طبیعتاً امری نیکو و محرک توسعه به شمار می‌رود لیکن نمی‌تواند مصون از انگیزه‌ها و تمایلات منفی باشد. هر چیز خوبی می‌تواند به ابزار بدی تبدیل شود اگر بر خلاف هدفی که برای آن ایجاد شده و برای مقاصد از قبیل ابراز خشم، انتقام‌جویی، خودسری و یا خودخواهی به کار گرفته شود. آیین دادرسی مدنی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به تعبیر رئیس سابق انجمن بین‌المللی حقوق دادرسی، توسعه انفجاری قواعد آیین دادرسی نه تنها منجر به تراکم روزافزون کار محاکم و انباشت غیرقابل قبول دعوی گردیده است بلکه عاملی برای سوءاستفاده از مقررات آیین دادرسی نیز شده است. همچنین کمیته وزیران شورای اروپا در توصیه‌نامه مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۸۴ اعلام نمود که برخی از قواعد دادرسی مدنی ممکن است مانع از دستیابی به عدالت مؤثر و کارآمد شوند زیرا گاهی از مقررات مزبور سوءاستفاده می‌شود یا در راستای ایجاد تأخیر مورد استفاده قرار می‌گیرند (۱۷). لذا، ضروری است که تدابیری در راستای حمایت از طرفین در برابر ترفندهای تأخیری یا توأم با سوءاستفاده از مقررات اتخاذ گردد. در ادامه، مکانیسم مقابله با موارد سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در حقوق انگلستان بررسی خواهد شد.

۵-۷-۱. تبیین ماهوی

سوءاستفاده از حق رفتاری است که در نگاه اول و ظاهراً قانونی به نظر می‌رسد و شخص به موجب آن، نوعی از رفتار مجاز انتزاعی که مبتنی بر حق مورد ادعاست را تحقق می‌بخشد اما

شامل رفتارهای غیرعادلانه (فعل و ترک فعل انجام شده قبل یا در جریان دادرسی) است که بر روند یا نتیجه دادرسی تأثیر می‌گذارد و دادگاه می‌تواند عواقب خاصی را علیه آنها اعمال کند. سومین مورد مربوط به سوءاستفاده‌های غیرقابل مجازات است که ناقض اصل کلی ممنوعیت سوءاستفاده از حق اقامه دعوا است (۲۰). سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و حقوق دادرسی را نمی‌توان به فعالیت خود دادگاه منتسب کرد زیرا سوءاستفاده صرفاً مربوط به استفاده از حق است حال آنکه دادگاه از هیچ‌گونه حقی استفاده نمی‌کند بلکه فقط به تکالیف قانونی خود عمل می‌کند. بنابراین، اگر دادگاه مرتکب اشتباه شود، قانون ماهوی یا آیین دادرسی را نادرست اجرا کند و از اختیارات خود استفاده نادرست کند، تنها به این معنی است که تکالیف دادگاه به درستی انجام نشده است، اما سوءاستفاده از حق رخ نداده است. این اشتباهات تنها ممکن است زمینه‌ای برای تقاضای تجدیدنظر باشد. در مورد رابطه بین طرف دعوا و نماینده وی (عمدتاً یک وکیل حرفه‌ای) باید تأکید کرد که عموماً این طرف دعوا است که مسئول عواقب رفتار نادرست وکیل خود است. با وجود این، در مواردی وکیل نیز می‌تواند در معرض مسئولیت قرار گیرد (۲۱).

یکی دیگر از جنبه‌های مهم ممنوعیت سوءاستفاده از حق اقامه دعوا یا حقوق دادرسی مربوط به «محاكمه ساختگی»^۱ است. در دکتترین، این اصطلاح به طور گسترده برای دادرسی استفاده می‌شود که در آن طرفین به منظور فریب دادگاه و گرفتن حکم از آن توطئه و تبانی می‌کنند. چون ادعای خواهان موهوم است لذا در واقع اختلافی وجود ندارد و طرفین دعوا به جای دعوا با هم همکاری می‌کنند. بنابراین خواننده دفاعی انجام نمی‌دهد یا صرفاً به صحت ادعا اعتراف می‌کند و دادگاه رأی نهایی را به نفع خواهان می‌دهد. هدف واقعی این توطئه بیشتر آسیب رساندن به طلبکار واقعی خواننده است. خواهان در واقع دوست و امین خواننده است که هدفش حفظ دارایی خواننده با استفاده از رأی دادگاه در آن پرونده است. این نوع رفتار در تضاد با عدالت و مصداق بارز سوءاستفاده از دعوا

دادرسی مدنی بین دو مفهوم سوءاستفاده از دعوا و سوءاستفاده از نهادهای دادرسی مدنی تفکیک می‌کنند. سوءاستفاده از دعوا به معنای سوءاستفاده از حق مراجعه به محاکم برای تحصیل حمایت قضایی است و برحسب اینکه کدام طرف چنین عملی انجام داده، یکی از دو شکل زیر را خواهد داشت: سوءاستفاده ارتكابی از سوی خواهان، سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و از سوی خواننده، سوءاستفاده از حق دفاع است. سوءاستفاده از حق اقامه دعوا زمانی رخ می‌دهد که خواهان بدون سبب موجه دعوایی را اقامه کرده باشد. برعکس، سوءاستفاده از حق دفاع به معنای دفاع غیرموجه در برابر یک دعوای موجه است (۱۹). اشکال مختلف سوءاستفاده از حقوق دادرسی می‌تواند در قالب سوءاستفاده از حق اقامه دعوا یا دفاع، سوءاستفاده از حقوق مربوط به جریان دادرسی، سوءاستفاده از حق تجدیدنظرخواهی و یا حق برخورداری از معاضدت قضایی و... ظهور یابد.

سوءاستفاده از حقوق دادرسی نوعی شبه جرم در زمینه دادرسی است که به موجب آن شخص ضمن اعمال حقوق دادرسی به عمد یا از روی خطای فاحش، مرزهای رفتار قانونی ناظر به اجرای حقوق دادرسی را نقض می‌کند و بدین وسیله موجب ورود لطمه به منافع عمومی یا طرف مقابل می‌گردد. سوءاستفاده از حقوق دادرسی و نقض قاعده کلی حسن نیت از حیث منطقی با هم رابطه عموم و خصوص مطلق دارند بدین معنا که هرگونه سوءاستفاده از حقوق دادرسی به مثابه نقض تعهد به رعایت حسن نیت در استفاده از حقوق دادرسی است اما ارتکاب هر عمل غیرمنصفانه‌ای در جریان دادرسی فی‌نفسه سوءاستفاده از حقوق دادرسی محسوب نمی‌گردد (۱۷).

۵-۷-۲. مصادیق سوءاستفاده از حقوق دادرسی در

حقوق انگلستان

سوءاستفاده از حقوق دادرسی در حقوق انگلستان مربوط به انواع مختلفی از اعمال و رفتارهاست که می‌توان آنها را به سه گروه طبقه‌بندی کرد. اولین مورد شامل سوءاستفاده‌های قابل مجازات از حقوق دادرسی مدنی است که با اعمال رسمی مشروع و مجاز در حوزه آیین دادرسی انجام می‌شود. دومی

^۱ Fictitious trial

پذیرفت. در این مرحله، ممکن است برخی شبهات ایجاد شود زیرا حداقل بسیار نادر است که یک اختلاف خانوادگی با اقرار در اولین جلسه پایان یابد و اصولاً دادرسی سال‌ها باید طول بکشد. متعاقباً بر اساس اقرار خوانده، حکم صادر شد. دادگاه قرارداد تقسیم املاک را باطل و حق مالکیت خواهان را در دفتر املاک ثبت کرد. همزمان با ثبت حق مالکیت خواهان، دادگاه رهنی را که به عنوان وثیقه وام‌های گرفته شده توسط پسر تعیین شده بود، باطل اعلام کرد. وام‌های مسکن حذف شدند. همانطور که بعداً معلوم شد، پسر بسیار بدهکار بود. او خانه را به عنوان وثیقه برای وام‌های خود قرار داده بود. با حذف وام مسکن، طلبکاران بدون وثیقه و در واقع بدون امکان واقعی بازپرداخت مطالباتشان رها شدند، زیرا بدهکار دارای قابل بازداشت دیگری نداشت. این پرونده نشان می‌دهد که چگونه سوءاستفاده از حقوق می‌تواند دادرسی عادلانه را زیر سؤال برده و درصد آسیب به جامعه برآید (۲۲).

۵-۷-۳. تمهیدات حقوق انگلیس در برابر سوءاستفاده

از حقوق دادرسی

حمایتی که حقوق انگلیس در برابر سوءاستفاده از حقوق دادرسی ارائه می‌دهد دو نوع است. اول با فراهم کردن جبران خسارتی که یک طرف در پروسه قضایی بتواند از خود در برابر بی‌عدالتی یا اجحاف طرف مقابل حفاظت کند و دوم آن که با تحمیل استانداردهای حداقلی عدالت قضایی به دادگاه‌ها و سایر مراجع تصمیم‌گیرنده، از افراد دخیل در پروسه دادرسی حمایت می‌کند (۲۳). در خصوص مورد اول، قانون در مقابل چیزی محافظت می‌کند که از آن تحت عنوان سوءاستفاده ترفعی^۲ یاد می‌شود؛ یعنی سوءاستفاده توسط طرف دیگر. در خصوص مورد بعدی سوءاستفاده قضائتی^۳ مصطلح است به معنای سوءاستفاده توسط کسانی که متصدی رسیدگی به دعوا و اتخاذ تصمیم هستند. عمدتاً این تصور وجود دارد که عملکرد یک قاضی انگلیسی با استانداردهای عدالت قضایی

است. اصطلاح «محاكمه ساختگی» در این خصوص چندان مناسب نیست اگرچه برای مدت طولانی معمولاً استفاده شده است. در حالی که یک ادعا و اختلاف اعلام شده در جریان دادرسی می‌تواند در واقع ساختگی باشد، یک محاکمه قضایی را نمی‌توان ذاتاً ساختگی تلقی کرد. دادگاه به عنوان یک مرجع دولتی واقعی است، طرفین واقعی هستند و رسیدگی نیز واقعی است. اگر یک محاکمه را بتوان ساختگی توصیف کرد، در واقع نقش و احترام دادگاه به عنوان یک ارگان دولتی زیر سؤال برده می‌شود. بنابراین، برای این نوع سوءاستفاده باید اصطلاح جدیدی پیشنهاد شود مانند «محاكمه از پیش تعیین شده یا مقرر»^۱. با این حال، نام سابق به دلیل حضور طولانی در ادبیات حقوقی، با آگاهی از نقص آن، می‌تواند همچنان مورد استفاده قرار گیرد. در قانون ابزارهایی وجود دارد که می‌تواند طرف توطئه‌کننده را از رسیدن به هدف خود باز دارد، اما آنها ناکافی هستند. با این حال، آنچه مهمتر است، هیچ ابزاری وجود ندارد که اجازه دهد تصمیم ماهوی صادر شده در یک دادگاه از پیش تعیین شده به چالش کشیده شود. اگر رأی صادره در این فرض قطعی باشد، حتی از طرق شکایت نسبت به رأی نیز نمی‌توان استفاده کرد. بنابراین، مقررات مربوط به نهاد اخیرالذکر باید اصلاح شود تا راه برای سوءاستفاده بسته شود و اهداف دادرسی عادلانه برآورده شود (۲۲).

به عنوان مثال می‌توان به پرونده‌ای اشاره کرد که در این پرونده، خواهان‌ها (پدر و مادر) با انعقاد قرارداد تقسیم اموال، اموال خود را به خوانده (فرزندشان) تحویل داده و فرزندشان رسیدگی به آنها را بر عهده گرفت. انتقال مالکیت اموال غیرمنقول موضوع قرارداد بلافاصله پس از آن صورت گرفت. تقریباً دو دهه بعد، والدین علیه پسرشان شکایت کردند و ادعا کردند که او دیگر نمی‌خواهد به آنها کمک کند، از آنها مراقبت نمی‌کند، با آنها بدرفتاری می‌کند، عمدتاً تحت تأثیر الکل است و از نظر روانی نسبت به آنها پرخاشگر است. در نتیجه پدر و مادر با طرح دعوی خواستار بطلان توافق شدند. در جلسه اصلی، پسر به بدرفتاری با آنها اعتراف کرد و ادعای والدین را

^۲ Adversarial abuse

^۳ Adjudicatory abuse

^۱ Fixed trial

تعهدی را فراهم می‌کند که به موجب آن هر شرکت‌کننده در دادرسی مدنی موظف است به درستی، صادقانه و مطابق با حسن نیت و اصول همزیستی اجتماعی عمل و رفتار کند. این اصل به عنوان ممنوعیت جلوگیری از هر نوع سوءاستفاده باید به عنوان یک اصل الزام‌آور آیین دادرسی مدنی تلقی شود. این اصل را می‌توان از بسیاری اصول دیگر حقوق نیز استخراج کرد، به عنوان مثال اصول همزیستی اجتماعی، انصاف، روند قانونی، عدالت، دولت قانونی دموکراتیک، حسن نیت، همکاری، برابری، امنیت معاملات حقوقی، اثربخشی دادرسی. شناسایی اصل منع هرگونه سوءاستفاده در دادرسی مدنی عامل مهمی در مباحث تئوری و عملی حقوقی است. به لطف این اصل آشکار می‌شود که نهادهای حقوقی نمی‌توانند در تضاد با اهدافی که برای آن ساخته شده‌اند استفاده شوند (۲۷).

از حیث ضمانت اجراهای شکلی، قسمت b از بند ۲ ماده ۴-۳ قواعد آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۹۹۸ انگلستان به دادگاه این اختیار را داده است که اگر دادخواست تقدیمی را متضمن سوءاستفاده از فرایند دادرسی یا مانع از دستیابی به دادرسی منصفانه تلقی نماید، قراری مبنی بر ابطال دادخواست صادر نماید. مع‌هذا، عمده مباحث مطروحه در حقوق انگلستان در خصوص سوءاستفاده از حقوق دادرسی و نحوه مقابله با آن متضمن مسئولیت مدنی شخص سوءاستفاده کننده بر مبنای ارتکاب نوعی شبه جرم^۲ است. مسئولیت مدنی مزبور معمولاً در قالب دو نوع شبه جرم با عناوین دعوای ایدایی و سوءاستفاده از فرایند دادرسی بررسی می‌گردد.

۵-۷-۳-۱. شبه جرم «دعوای مدنی ایدایی»

برای مطالبه خسارت در فرض اقامه دعوای مدنی بی‌مبنا و غیرموجه نوع خاصی از دعوای مسئولیت مدنی در قالب شبه جرم در کامن‌لا شناسایی شده است. ابتدا اصطلاح دعوای ایدایی (Malicious Prosecution) در خصوص طرح دعوای کیفری فاقد مبنا علیه دیگران به کار رفت و متعاقباً در خصوص اقامه دعوای مدنی غیرموجه نیز به کار گرفته شد.

انطباق دارد اما واقعیت اینست که اگر وکلای انگلیسی به جای تمرکز بر سوءاستفاده از حق اقامه دعوا توسط طرف دیگر، بر روی عملکرد دادگاه تمرکز داشته باشند، موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن عدالت قضایی به چالش کشیده خواهد شد (۲۴).

حقوق انگلیس فاقد دکترین صریح و گویا در خصوص سوءاستفاده از حق دادخواهی یا حق اقامه دعوا می‌باشد. مقررات آیین دادرسی مدنی ۱۹۹۸ توضیح می‌دهد که چه زمانی با یک ادعا به عنوان سوءاستفاده از حق دادخواهی رفتار می‌شود. یک ادعا زمانی به عنوان سوءاستفاده از حق دادخواهی تلقی می‌شود که «بدون دلیل منطقی»، «خارج از اخلاق» یا «توأم با سونیت» باشد. با وجود همه این مسائل، حقوق انگلیس هیچ دکترین عمومی در مبحث سوءاستفاده از حق اقامه دعوا ندارد. استانداردهای عدالت شکلی که توسط حقوق انگلیس شناخته می‌شود، در قانون به طور صریح بیان نشده است. آنها در موقعیت‌هایی که حقوق انگلیس درصد حمایت از دعوای حقوقی در برابر ناعدالتی‌های آیین دادرسی بر می‌آید، به طور ضمنی قابل استنباط هستند (۲۵).

حقوق انگلیس به صراحت سوءاستفاده از حق اقامه دعوا را با اصول کلی اخلاق پیوند نمی‌زند. مع‌هذا، الزامات رفتار خوب حرفه‌ای حمایت غیرمستقیمی در برابر سوءاستفاده از حق اقامه دعوا ارائه می‌دهد به نحوی که یک وکیل که به صورت ناشایستی عمل می‌کند و دادرسی بی‌پایه و اساس یا انتقام‌جویانه را پیش می‌برد می‌تواند با مجازات‌های انتظامی یا حرفه‌ای روبه‌رو شود. حمایت در برابر سوءاستفاده از حق اقامه دعوا در دو حالت ارائه می‌شود. یک مورد هنگامی که سوءاستفاده توسط یکی از طرفین دعوا صورت می‌گیرد و دیگری جایی که توسط دادگاه یا مقام تصمیم‌گیرنده صورت می‌پذیرد. آیین دادرسی مدنی حوزه‌ای است که مسئله سوءاستفاده از حق مشکلات بسیار مهمی را در آن ایجاد می‌کند زیرا ابعاد مختلف حقوقی و افراد و نهادهای متعددی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (۲۶).

سوءاستفاده از حق اقامه دعوا ذاتاً ممنوعیتی ایجاد می‌کند که تحت آن هرگونه رفتار توهی‌نامیز ممنوع است. همچنین

¹ The Civil Procedure Rules 1998

² Tort

دادرسی و اقامه دعوا بر مبنای انتقام‌جویی یا سوءنیت می‌گردد. برای تعیین چارچوب مشخص در خصوص این شبه جرم و به منظور اینکه از این نهاد سوءاستفاده نشود، توصیه شده است که معیار تعهد حرفه‌ای وکلا در طرح ادعای تدلیس مبنی بر «لزوم وجود اعتقاد معقول بر مبنای ادله و شواهد موجود» نسبت به ادعای سوءاستفاده از دعوای مدنی نیز اعمال گردد تا بدین وسیله امکان سوءاستفاده از شبه جرم مزبور تقلیل یابد (۲۹).

۵-۷-۳-۲. شبه جرم «سوءاستفاده از فرایند دادرسی»
 نوع دیگری از شبه جرم تحت عنوان «سوءاستفاده از دادرسی» (Abuse of Process) در کامن‌لا وجود دارد که با دعوای ایدایی مدنی (Malicious Civil Prosecution) متفاوت است و گاهی با آن به اشتباه یکسان تلقی می‌شود. این عنوان ارتباط چندانی با سبب دعوا نداشته و بیشتر به نوع استفاده از فرایندهای دادرسی مربوط می‌شود. دعوای Grainger علیه Hill نخستین پرونده‌ای بوده که شبه جرم سوءاستفاده از دادرسی در آن پذیرفته شده است. خواندگان که کشتی متعلق به خواهان در رهن ایشان بوده، برای مطالبه طلب خویش علیه او اقامه دعوا نموده و با استفاده از مکانیسم جلب^۱ وی را وادار به تسلیم اسناد ثبت کشتی به ایشان نموده‌اند. خواهان موفق به تدارک وثیقه برای آزادی خود نشده و ناگزیر به تسلیم اسناد ثبت کشتی به آنها شده و به همین دلیل، امکان استفاده از کشتی را نداشته است. در این پرونده، دادگاه شبه جرم سوءاستفاده از فرایند جلب^۲ را محقق دانست. در پرونده دیگری قضیه چنین بود که در دعوای مطروحه بین طرفین، انجمن معلمان احضاریه‌هایی را به تمام معلمان مدارس ابلاغ کرد که به طور همزمان آنها را به ارائه گزارش به دادگاه الزام کرده بود و به همین علت، موجب ورود لطمه جدی به عملکرد مدارس شده بود. در این پرونده، عمل سوءاستفاده از فرایند احضار^۳ قابل تعقیب شناخته شد (۲۸).

همچنین، در برخی متون حقوقی از عنوان «سوءاستفاده از دادرسی» (Wrongful Use of Civil Proceeding) استفاده شده و اصطلاح «دعوای واهی» (Frivolous Litigation) نیز در این خصوص رواج گسترده‌ای یافته است. این شبه جرم را می‌توان «دعوای مدنی ایدایی» (Malicious Civil Prosecution) توصیف نمود (۲۸).

دادگاه‌های کامن‌لا محدودیت‌های سختگیرانه‌ای را برای این نوع از دعوای مسئولیت مدنی قائل شده‌اند به نحوی که گاه اثبات چنین دعوایی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. مع‌هذا، بر لزوم وجود پنج شرط توافق اجمالی وجود دارد و بار اثبات ادعا در خصوص این شرایط بر عهده خواهان دعوای مسئولیت مدنی است:

۱- خواننده دعوای مسئولیت مدنی باید مشارکت فعال در شروع یا ادامه یا تدارک دعوای اولیه داشته باشد. ۲- دعوای اولیه بایستی به نفع خواننده (خواهان دعوای فعلی) خاتمه یافته باشد. ۳- بایستی به خواهان خسارتی وارد شده باشد که به تشخیص دادگاه با ماهیت دعوای اقامه شده علیه او تناسب داشته باشد. ۴- دعوای اولیه فاقد هر گونه سبب احتمالی باشد. ۵- در اقامه دعوای اولیه سوءنیت وجود داشته باشد (۲۸).

تا چندی پیش خواننده دعوای مدنی که دادرسی به نفع وی خاتمه می‌یافت، امکان مطالبه خسارت علیه خواهان بر مبنای سوءتعقیب (Malicious Prosecution) را نداشت. هرچند صرف پیروزی در دعوا چنین حقی به خواننده نمی‌دهد اما در عین حال، چنانچه خواهان بر مبنای سوءنیت یا انگیزه نامشروع اقامه دعوا کرده باشد، بایستی از خواننده حمایت شده و خسارات وارده به وی جبران شود. در سال ۲۰۱۶ دادگاه عالی در پرونده Willers v. Joyce چنین رأی داد که شبه جرم اقامه دعوای ایدایی شامل دعوای مدنی نیز می‌گردد. بر این اساس، خواننده پیروز در دعوایی که با سوءنیت و بدون سبب معقول علیه وی اقامه شده بایستی بتواند خسارات وارده بر خویش را از خواهان مطالبه نماید. این نوع شبه جرم به خواننده امکان مطالبه خسارات ناشی از اقدام خواهان را می‌دهد و در عین حال، مانع از تلاش خواهان برای سوءاستفاده از

¹ Process of Arrest

² Abuse of the Process of Arrest

³ Abuse of the Subpoena Process

دادرسی دشوارتر است. این دوگانگی به نقش نظم عمومی در حمایت از حق توسل به محاکم باز می‌گردد: از یک سو، اگر دادگاه‌ها اقامه دعوا بر مبنای شبه جرم دعوی ایدایی را تسهیل کنند، می‌تواند موجب دلسردی خواهان شده و او را از اقامه دعوا منصرف نماید از ترس اینکه مبدا پس از شکست احتمالی در دعوا با مسئولیت مدنی مواجه گردد. از سوی دیگر، اگر محاکم در اثبات دعوی سوءاستفاده از دادرسی بیش از حد سختگیری کنند، اصحاب دعوا نمی‌توانند با اقدامات ایدایی رقیب مقابله نمایند و حق ایشان مبنی بر دسترسی آزاد به محاکم از درون تهی خواهد شد (۳۱). در مقام ارزیابی دعاوی مسئولیت مدنی می‌توان گفت تنها دعوی که از دید محاکم برای جبران خسارت در فرض اقامه دعوی مدنی غیرموجه مناسب است، مطالبه خسارت در قالب شبه جرم دعوی مدنی ایدایی است. البته دادگاه‌ها در قبال این دعوا نیز چندان روی خوشی نشان نمی‌دهند و موارد اندکی وجود دارد که دعوا به نتیجه مطلوب رسیده باشد (۲۸).

۶. نتیجه‌گیری

حق دادخواهی از جمله حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردد که در اسناد مهم مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. شخصی که باور معقول به تضییع حق خود دارد، بایستی بتواند برای طرح دعوا به محاکم صالحه رجوع نماید بدون آنکه ملزم به تضمین صحت ادعای خویش در ابتدای دادرسی باشد. مع‌هذا، اعمال حق را نمی‌توان وسیله‌ای برای اضرار به دیگران قرار داد. لذا، قاعده ممنوعیت سوءاستفاده از حق که در حقوق ماهوی سابقه دیرینه دارد، به حقوق دادرسی نیز سرایت کرده و اجازه سوءاستفاده از حقوق مربوط به دادرسی را به اصحاب دعوا نمی‌دهد.

در مقررات آیین دادرسی مدنی ایران، نص صریحی مبنی بر منع سوءاستفاده از حقوق دادرسی دیده نمی‌شود لیکن تدابیری برای مقابله با برخی مصادیق سوءاستفاده از حقوق دادرسی در مواد مختلف پیش‌بینی شده است. از یک سو، خوانده می‌تواند بر مبنای طرح ادعای واهی بودن دعوا، از

در این فرض، تدارک دعوا مبتنی بر خطا نیست اما نوع استفاده از آن برای یک مقصود ناصحیح، سوءاستفاده به شمار می‌رود. در عمل، محاکم کاملاً از این نوع دعوی مسئولیت مدنی استقبال بیشتری به عمل می‌آورند (۲۸). سوءاستفاده از دادرسی نوعی خطای مدنی است که می‌تواند منتهی به مسئولیت به جبران خسارت گردد. برخی نویسندگان در توصیف این شبه جرم می‌گویند: «سوءاستفاده از دادرسی با دعوی ایدایی متفاوت است از این حیث که به معنای شروع غیرموجه یک دعوا نیست بلکه به معنای سوءاستفاده از فرایندهای دادرسی برای مقصودی غیر از هدف مورد نظر قانون‌گذار است. تنها چیزی که در اینجا اهمیت دارد انگیزه شخص در استفاده از فرایندهای دادرسی است. لذا، در این دعوا خواهان نیازی به اثبات اینکه دعوا به نفع او خاتمه یافته یا فاقد سبب موجه بوده، ندارد» (۳۰). این نوع شبه جرم مربوط به فرضی است که دادخواهی به شکل قانونی صورت گرفته، دارای سبب محتمل است و حتی ممکن است به نتیجه هم برسد اما برای نیل به هدفی انجام شده که قانوناً برای این منظور طراحی نشده است. در واقع، به معنای سوءاستفاده از ابزارهایی است که قانون در اختیار اصحاب دعوا قرار داده است. برای اثبات وقوع این نوع شبه جرم باید احراز شود که شخص از فرایندهای دادرسی برای نیل به یک مقصود پنهان سوءاستفاده نموده و بدین وسیله موجب ورود ضرر به طرف مقابل گردیده است (۳۱).

۵-۷-۳. مقایسه و ارزیابی دو نوع شبه جرم

وجه شباهت و تمایز دو نوع شبه جرم مذکور به شرح ذیل است: هر دو شبه جرم عمدی و متضمن انحراف از مقررات هستند. مع‌هذا، یک تفاوت از حیث زمان وقوع این عمل است چراکه دعوی ایدایی مربوط به شروع یک دعوا بدون سبب است و سوءاستفاده از دادرسی مربوط به استفاده انحرافی از ابزارهای قانونی پس از شروع یک دادرسی است. لذا اقامه یک دعوی واهی و بی‌اساس مشمول عنوان Abuse of Process قرار نمی‌گیرد. تفاوت مهم دیگر آنست که با توجه به عناصر این دو نوع شبه جرم، اثبات دعوی سوءاستفاده از فرایندهای

دادگاه درخواست نماید تا رسیدگی به دعوی مطروحه را به تودیع خسارات احتمالی از سوی خواهان موکول نماید. چنانچه دادگاه بر مبنای اوضاع و احوال خاص هر مورد، دعوا را واهی تشخیص دهد، با صدور قرار مقتضی رسیدگی به دعوا را به تودیع خسارات دادرسی موکول می‌نماید و در صورت عدم تودیع تأمین در مهلت مقرر، قرار رد دادخواست صادر خواهد شد. از سوی دیگر، چنانچه سوءنیت خواهان در اقامه دعوا احراز گردد به نحوی که معلوم شود دعوا به منظور ایداء طرف، تأخیر در انجام تعهد یا غرضورزی و نظایر اینها اقامه شده، خواهان در معرض محکومیت به پرداخت جریمه نقدی معادل سه برابر هزینه دادرسی قرار خواهد گرفت. علاوه بر اینها، احراز سوءاستفاده از حق اقامه دعوی ورود ثالث یا جلب ثالث به تفکیک این دعوا از دعوی اصلی و رسیدگی جداگانه منتهی خواهد شد و حتی با اثبات تبانی، چنین اقدامی می‌تواند قابلیت تعقیب کیفری نیز داشته باشد. سوءاستفاده از حق اقامه دعوا به خواننده دادبرده این امکان را می‌دهد تا بر مبنای مقررات ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، جبران خسارات دادرسی را نیز از خواهان مطالبه نماید.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

در حقوق انگلستان، عمده مباحث مطروحه در زمینه سوءاستفاده از حقوق دادرسی به پذیرش مسئولیت مدنی بر مبنای دو نوع شبه جرم ختم شده است. ابتدا نوعی شبه جرم تحت عنوان دعوی ایدایی در زمینه اقامه دعوی کیفری به رسمیت شناخته شد و سپس، به دعوی مدنی نیز تسری یافت. بر این اساس، اگر خواهان دعوی اقامه نموده باشد که فاقد سبب معقول و محتمل بوده و دعوی مزبور به صدور رأی قطعی به نفع خواننده ختم شده باشد، امکان مطالبه خسارت بر مبنای شبه جرم دعوی ایدایی مدنی برای زیان‌دیده فراهم خواهد بود. نوع دیگری از شبه جرم تحت عنوان سوءاستفاده از فرایند دادرسی نیز در کامن‌لا شناسایی شده که هرچند به مفهوم نخست نزدیک است اما نهایتاً متمایز از آن محسوب می‌گردد. در این فرض، شخص ممکن است از برخی فرایندهای دادرسی برای نیل به منظوری غیر از هدف مورد نظر مقنن استفاده نموده و موجب اضرار به طرف مقابل شده باشد. برای اثبات این نوع شبه جرم ضرورتی به اثبات اینکه

References:

1. Maghsoudi R. Abuse of rights in private international law. *Private Law Research*. 2015;4(12):109-29. (Persian).
2. Gholami M, Shahbazinia M. The place of the impact of fraud on legal principles and rules. *Scientific Quarterly of Free Legal Research*. 2016;9(34):101-42. (Persian).
3. Yavari A. The Right to a Fair Trial and New Proceedings. *Iranian Review of Constitutional Law*. 2004;2(2):253-89. (Persian).
4. Mortezaazadeh M. Refusal to realize the right. Tehran: Shahid Beheshti University; 2019. (Persian).
5. Abbasi B. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Justice Publishing; 2011. (Persian).
6. Habibzadeh M. Judicial Independence in the Iranian Legal System. *Quarterly Journal of Comparative Law Research*. 2010;4(1):115-31. (Persian).
7. Hashemi M. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Mizan Publishing; 2002. (Persian).
8. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e-Danesh; 1994. (Persian).
9. Katouzian N. The Abuse of Right. *The Journal of Faculty of Law and Political Science*. 1980;21:103-15. (Persian).
10. Amid H. Amid Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir Publication Institute; 1990. (Persian).
11. Shams A. Civil Procedure. Tehran: Derak Publication; 2005. (Persian).
12. Mardani N, Beheshti MJ. Civil Procedure. Tehran: Mizan Publication; 2006. (Persian).
13. Mohajeri A. Civil Procedure Code in the Present Legal Order. Tehran: Fekrsazan Publication; 2012.
14. Khodabakhshi A. Fundamental Distinction between Civil Law and Criminal Law. Tehran: The S.D. Institute of Law Research & Study; 2019. (Persian).
15. Eftekhari Jahromi G, Elsan M. Civil Procedure. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2020. (Persian).
16. Hayati AA. Civil Procedure Code in the Present Legal Order. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2012. (Persian).
17. Brazdeikis A. Abuse of procedural rights. Vilnius: Vilnius University Press; 2011.
18. de Bérier FL. Abuse of Rights-the Historic Perspective: Reception of Law Or Reasonableness and Natural Law. Trnava: Trnavská univerzita; 2014.
19. Parchomiuk J. Abuse of Procedural Rights in Administrative Law. Collection of Papers from the International Academic Conference Bratislava Legal Forum. 2015;1(1):1-14.
20. Winfield PH. The present law of abuse of legal procedure. Cambridge: Cambridge University Press; 2013.
21. Van Rhee CH. The law's delay: essays on undue delay in civil litigation. London: Intersentia; 2004.
22. Gibson Q, Tandy R. Abuse of Process in the Civil Courts. Oxford: Oxford University Press; 2021.
23. Fentiman R. Abuse of procedural rights: The position of English Law. In: Taruffo M, editor. Abuse of procedural rights: comparative standards of procedural fairness Kluwer Law International. Louisiana: Tulane Law School; 1999.
24. Kubicek TL. Adversarial Justice: America's Court System on Trial. London: Algora Publishing; 2006.
25. Wadham J, Harris K, Peretz G. Blackstone's guide to the Freedom of Information Act 2000: Oxford University Press; 2011.
26. De Young M. The day care ritual abuse moral panic. Washington: McFarland Publishing; 2004.
27. Taruffo M. Abuse of Procedural Rights: Comparative Standards of Procedural. Louisiana: Kluwer Law International BV; 1999.
28. Wade JW. On Frivolous Litigation: A Study of Tort Liability and Procedural Sanctions. *Hofstra Law Review*. 1986;14(3):433-97.
29. Garbett K, Karagoz M. Shaping the Tort of Malicious Prosecution of Civil Claims. Legal Update. Available at: www.newlawjournal.co.uk. 2018.
30. Lawrence S. Abuse of Judicial Process in Criminal Proceedings. Fundamentals of Private Practice. Law Society of Fiji Conference, Suva: Fiji; 2015.
31. Utermohle JJ. Look What They've Done to My Tort, Ma: The Unfortunate Demise of " Abuse of Process" in Maryland. *University of Baltimore Law Review*. 2002;32(1):1-49.



The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Abuse of procedural rights in Legal System of Iran and England

Sahar Badpa¹, Siroos Heidari^{2*}

1. PhD Student in Private Law, Department of Law, International Campus, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private & Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 16 September 2021

Accepted: 18 January 2022

Published online: 29 January 2022

Keywords:

Right to Sue

Right to Bring an Action

Abuse of Right

Malicious Prosecution

Frivolous Litigation

Compensation

* Corresponding Author:

Siroos Heidari

Address: Department of Private & Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Postal Code: 71946-85115

Telephone: 71-36134849

Email: heidaris@shirazu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The right to sue is an inalienable principle accepted in legal and human rights sources. This leaves all citizens free to sue. But this will be challenged when a malicious litigation is filed. This type of lawsuit causes some problems and damages for the defendant. The legislature has provided some sanctions in order to prevent malicious litigations and their effects. The problem of abuse of procedural rights and related legal preventing rules in law of Iran and England constitutes the idea of this study.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical. The method of data collection is library method and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: Abuse of the right to sue is an example of abuse of procedural rights and a special manifestation of the general concept of abuse of right. A person who brings an action against another without a probable cause or uses a litigation to harass the other party or other malicious intent, should be liable for damages resulting from his tort.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Despite the fact that any body has the right to resort to the courts and is entitled to bring action, but if this right has been abused and a person has filed a lawsuit against another without a probable cause or with malicious intent such as harassment or dilatory purpose, while may face the objection of frivolous litigation, he will be also subject to civil liability for damages caused by his tort. Stablishing and developing the legal sanctions to prevent abuse of procedural rights may have a deterrent effect on malicious prosecution and will lead to improved function of civil justice system.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Badpa S, Heidari S. Abuse of procedural rights in Legal System of Iran and England. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.